

یکی از حوزه های درگیر با روزی تهذیب و تنقیه مال است. وقتی من از مال خود مقداری جدا می کنم و شما از اندیشه خود جدا می کنید و به مخاطب تحویل می دهیم در اندیشه دینی بدان زکات اطلاق می شود. صدقه و هبه هرکدام حکمی دارد و هر حکمی حکمی. اگر شما زکات علم که نشر آن است پرداخت کردید خود به خود برکت پیدا می کند. خیلی ها فقط مطالعه می کنند اما تلاشی برای بالا بردن سطح فرهنگ اطرافشان نمی کنند اگر چه علمشان از جهت کمی بالاست ولی از جهت کیفی برکتی نخواهد داشت. در رزق مادی هم چنین است ، اگر ۱/۵ مال ام را بخشودم ۴/۵ مابقی این مراحل را طی می کند :

مرحله اول: ان الصدقه مفتاح الرزق ؛ صدقه در هر حوزه ای اعم از پول یا دانش کلید رزق است.

مرحله دوم: بعضی رزقشان مفتوح است مسدود نیست ولیکن موقوف است ؛ استنزلوا الرزق بالصدقه ؛ رزق را با صدقه پایین بکشید.

مرحله سوم: صدقه مُضعِفُ الرزق است کمیت را زیاد می کند. مرحله چهارم: صدقه مربی الرزق است. در تمام اینها موثر خداست و صدقه واسطه است. خداست که کیفاً هم برکت می دهد.

مرحله پنجم: تأثیری که صدقه (مادی و معنوی) بر روزی می گذارد حافظ الرزق است.

میزان بهره وری یک انسان از امکانات مادی و معنوی دنیا در یک فرمول است: توان + تلاش + تدبیر + توکل .

حفظ معادله این فرمول عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام است. عدالت اجتماعی نه یعنی جامعه بی طبقه توحیدی که اقلیت گرایش چپ در اوایل انقلاب در اندیشه های التقاتی بین لنین و اسلام ، استالین و اسلام، از خودشان در آوردند و کتاب برادری و برابری نوشتند. عدالت اجتماعی نه به معنای این است که تمام حقوق شهروندی بین همه انسانها علی السویه تقسیم شود ، نظام بی طبقه توحیدی در اندیشه شیعه معنا ندارد. امکانات انسانی در طبیعت و عین آن در شریعت مبتنی بر میزان توان است ، توان به میزانی که تلاش بدان ضمیمه شود. معنا ندارد من در جامعه تمام توان ها را یک جور تعریف کنم و میزان واحد تلاش صرف شده را یک جور معامله کنم (خوب خواندن زیاد خواندن نیست)

این سه واژه عالم اختیار «توان ، تلاش ، تدبیر» ملزم شده به واژه چهارم «توکل» برای به دست گرفتن و مدیریت عوالم خارج از حوزه اختیار. رسول اکرم(ص) دین من و شما می فرماید: من بر امت خودم از بدتر از گناه می ترسم و آن دو چیز است ؛ عجب و سوء تدبیر. بهترین توان و تلاش را ، تدبیری اشتباه خراب می کند . در رزق ، صدقه نوعی تدبیر است. من با تدبیر تنقیه روزی ام ، آن را از نظر کم و کیف اش ، هم افزون می کنم و هم بیمه.

واژه ای در فقه شیعی است که سنی های فرقه حنیفی هم از حضرت صادق(ع) آنرا بر فقهشان وارد کردند ، به نام نصاب. زکات نصاب دارد علاوه بر اینکه متعلق دارد (گندم ، جو ، شتر ، گاو ، گوسفند ، طلا ، نقره ، خرما ، کشمش). ابان بن تغلب(ره) آمد خدمت امام صادق(ع) عرضه داشت انگشت

زنی قطع شده دیه اش چقدر است؟

فرمودند ۱۰ شتر ؛ اگر دو انگشت است ۲۰ شتر ؛ اگر سه انگشت است ۳۰ شتر ؛ اگر چهار انگشت است ۲۰ شتر ! ابان تعجب کرد چگونه بر وفق اصول ریاضی و قیاسی بالا نرفت ؟ چرا نباید انگشت چهارم هم ۴۰ شتر دیه اش باشد؟ حضرت فرمود: یا ابان ان دین الله لا یصابُ بالعقول . با عقل خام و خرد خرد نمی شود حکم حکم ها را استنباط کرد.

به صرف اینکه از حکیم صادر شده حتماً حکمتی دارد. اگر خمس و زکات و صدقات را با حفظ نصاب که حکمت است و در مورد مصرف مستحق خود جامعه خرج کند انتظار استقلال در یک اقتصاد ، انتظاری دور از دست نیست ولی متأسفانه نه اولی رعایت می شود و نه دومی. این قول حضرت صدیقه طاهره (س) است که اگر این دو رعایت شود جامعه تا استقلال اقتصادی و آزادی فرهنگی در بُعد روزی مادی و معنوی فاصله ای نخواهد داشت.

آیت الله شیرازی (ره) از کام خودشان این کلام را بی واسطه شنیدم ؛ ایشان کسی است که آنقدر کتاب در فقهت و در اصول نوشت که سه انگشت ایشان از کار افتاد. می فرمودند: به همراه پدرم مشرف شدیم نجف ، خدمت آیت الله سید ابوالحسن مدیسه ای(ره) {کسی که مرجع علی الطلاق شیعه بود و در زمان زعامت حوزه علمیه نجف هیچکدام از مراجع و فقهای شبعه ایران و نجف از باب ادب به خود جرئت دادن رساله ندادند و اگر دادند تبلیغ نکردند} رفتیم. خدمت آقا ایستاده بودیم که یکی از تجار شیعه از بغداد آمد سمت راست آقا نشست.

رزق و روزی

۱۰

چگونه رزق و روزی خود را
افزایش دهیم؟

«فوق العاده کار بردی»

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید

واحد فرهنگی
بیمارستان خاتم الانبیا (ص)



به آن یهودی گفتم: من از پیش رهبر دین ام می آیم این پول را داده که تو طلب هایت را بدهی از طلب خودم هم گذشتم.. تاجر می گفت: من پانزده دقیقه آنجا بودم در این دقایق هم خودش و هم خانمش و هم سه فرزندش مسلمان شدند. آیت الله شیرازی (ره) می فرمود: اگر تمام حوزه نجف و قم بسیج می شدند برای اینکه پنج یهودی را ظرف پانزده دقیقه شیعه کنند، عمراً نمی توانستند بر فراز منبر چنین کنند. «کونوا دعاه الناس بغير السننکم؛ مردم را به غیر از زبانهایتان دعوت کنید بلکه با عملتان دعوت نمایید» اگر به دین عمل کنیم، نفس دین خود مبلّغ است. اگر در تمام ابعاد وجودی دین، دقیق و بدون فضولی و کم و کاست عمل کنیم ذات دین ما زیبایی اش هم جاذب است و هم دافع آن کسانی که قابلیت ندارند. قصه ما همان پيله و کرم است. پيله ها را تمام به دور خودمان نتنیده ایم هویت مان معلوم نیست کرم است یا پروانه؟ مومن بعض و یکفر بعض عاقبتش می شود خسر دنیا و الاخره ...

امام زمان (عج): فاصله ما از
شیعیان به اندازه فاصله گناهنشان
است

التماس دعا

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ

۵

آقا داشتند با سمت چپی حرف می زدند. صحبتشان طول کشید. تاجر به آقا گفت: من خمس بدهکارم، به اندازه بدهی خمس ام به شما از یک تاجر یهودی دربغداد طلبکارم و او هم طلبم را نداده و من اگر بخواهم آن میزان را هم پرداخت کنم به عسر و حرج می افتم، اجازه می دهید او که طلبش را داد بیایم حساب کنم؟ آقا فرمود: مقلد که هستی؟ آن بنده خدا خندید و گفت مقلد شما هستیم. آقا فرمود هرچه بگم انجام می دهی؟ گفت بله. آقا گفتند: پس بنشین و دوباره شروع کردند با فرد سمت چپی حرف زدند و صحبتشان طول کشید. آن تاجر دوباره عرضش را تکرار کرد و آقا پرسید مقلد که هستی؟ هرکار بگویم انجام می دهی؟ و او تایید کرد. تا سه بار این اتفاق افتاد و آقا سه بار اقرار گرفتند. در نهایت پلاستیک پول را دادند به تاجر بغدادی و فرمودند این پول را برو بده به تاجر یهودی بغدادی و بگو از طلب تو گذشتم. تاجر گفت: آخر یهودی است. آقا پرسید مقلد که هستی؟ ... آیت الله شیرازی (ره) می فرمود نشانی تاجر را گرفتم تا روزی گذرم افتاد به بغداد و رفتم سراغش و مهمانش شدم. به او گفتم: تو که به حرف آقا شک کردی من هم شک کردم، آیا خمس ات را دادی؟ یا رفتی پیش مرجع دیگری؟ گفت دادم و چه معجزه ای بود. از احکام پر حکمت اسلام موقعی که آمدم در خانه یهودی، همسرش گریه کنان آمد جلوی در و گفت: فلانی نیست. گفتم می دانم خانه هست برای طلبم نیامده ام. وارد خانه شدم و او عذر خواهی و گریه کرد و گفت: به همسرم گفتم نمی تواند طلبکاری این سید را ندهم، چون می ترسم.

۴